

بخش ۲

Part II

تمرین ۱۵

بشنوید و تکرار کنید:

۲.

This is.

این است

is this

[اینه]

is this

This is a table.

این یک میز است.

is table a this

[اینه میزه]

is table a this

1. ه / ا (e) is suffixed to words ending in a consonant or the vowel i.

That is a chair.

آن یک صندلی است.

[اون یه صندلیه]

is chair a that

He is a gentleman.

او یک آقا است (= است)

[او/ اون یه آقا س]

is gentleman a he

آن یک خانه است.

[اون یه خوئس]

is house a that

Ali is here.

علی اینجا است [س]

is here Ali

Where is he?

او کجاست [س]؟

is where he

1. س (s) is suffixed to words ending in a vowel.

2. when the final vowel of the word is e, it changes into the vowel a and then takes س (s).

Jaleh is there.

ژاله آنجا ست.

is there Jaleh

[ژاله اونجاس]

Is Jaleh there?

ژاله آنجاست؟

بَله، او آنجاست [اونجاس]

is there she yes

What is that?

آن چیست؟

[اون چیه؟]

Who is this woman?

این زن کیست؟

[این زن کیه؟]

بشنوید و تکرار کنید:

علی: [ این چیه؟

پروین: این یه قلمه.

علی: اون چیه؟

پروین: اون یه مرده.

علی: اون آقا کیه؟

پروین: اون آقا، نادره.

علی: این خانم و اون آقا کی هستن؟ / کین؟

پروین: ژاله و نادر

Has Jaleh (any) daughter?

علی: ژاله دختر داره؟

پروین: بله، او یه دختر داره.

علی: اینجا کجاس؟

پروین: اینجا اصفهان.

علی: اونجا چیه؟

پروین: اونجا یه میز و شیش صندلیه.

علی: کی اونجاس؟

پروین: چار پسر و هف دختر.

علی: نادر امشب کجاس؟

پروین: او امشب اینجاس.

علی: حالا اون دو خواهر و سه برادر کجا هستن؟

پروین: اون دو دختر و سه پسر حالا اینجان.

علی: نادر بچه داره؟  
Has Nader (any) children?

پروین: بله، او یه بچه داره.

علی: اون بچه، پسره یا دختر؟  
Is that child (a) boy or (a) girl?

پروین: بچه، دختره.

علی: اون مادر و بچه امروز کجان؟

پروین: خونه هستن. ]

تمرین ۲۷

بشنوید و تکرار کنید:

ناصر<sup>۱</sup>: [سلام].<sup>۲</sup>

پروین<sup>۳</sup>: سلام.

ناصر: امروز هوا چگونه؟

پروین: یه کمی<sup>۴</sup> سرد.

ن: هوای سرد خوبه؟

پ: نه زیاد.<sup>۵</sup>

ن: پریروز هوا چگونه بود؟

پ: خیلی<sup>۶</sup> گرم بود.

ن: اون پنجره بازه؟

پ: نه<sup>۷</sup>، بسته س.

ن: اون زنهای جوان کی رفتن خونه؟

پ: اونا پریروز اینجا بودن ولی<sup>۸</sup> دیروز همه رفتن.

1. A male name. 2. hello. 3. A female name, 4. a little. 5. not much. 6. very, much. 7. no. 8. but.

ن: اون زن پير گُرسنه س؟

پ: بله، خيلي گُشنه س.

ن: دَر بزرگ بازه.

پ: دَر کوچیک هم<sup>۱</sup> وازه.

ن: اين سيبای سبز همه تُرشن.

پ: انگورام ( = انگورها هم ) تُرشن.

ن: ساعت چنده<sup>۲</sup>؟

پ: هفت و یازده<sup>۳</sup> ديقه.

ن: خُدا حافظ<sup>۴</sup>!

پ: خُدا حافظ!

---

1. too, also. 2. What is the time? 3. eleven, 4. bye bye, good bye.

## تمرین ۲۹

بشنوید و تکرار کنید:

(I) am well.

خوب + م ← خوبم

I am well.

مَنْ خوبم

(you) are well.

خوب + ی ← خوبی

You are well.

تُو خوبی

1. The Personal Pronouns can be used with their corresponding suffixes to emphasize the subject.



(he/she/it) is well. خوب + است (= است) ← خوبست

(he/she/it) is well. [خوب + است ← خوبه]

He/she is well. او خوبست

He/she/it is well. [اون خوب + است ← اون خوبه]

(we) are well. خوب + ایم ← خوبیم

We are well. ما خوبیم

(you) are well. خوب + ید ← خوبید

(you) are well. [خوب + ین ← خوبین]

You are well. شما خوبید [خوبین]

(they) are well. خوب + ند ← خوبند

They are well. ایشان خوبند

They are well. [ایشون خوب + ن ← خوبن]

They are well. [اونا خوبن]

تصريف ۳۳

بشنويد و تکرار کنيد:

|               |                                |
|---------------|--------------------------------|
| mine          | ۱۰. مالِ مَنْ                  |
| yours (sing.) | مالِ تُو                       |
| his, hers     | مالِ او [اون]                  |
| ours          | مالِ ما                        |
| yours         | مالِ شما                       |
| theirs        | مالِ آنها [اونا] ايشان [ايشون] |
| whose?        | مالِ كِي؟                      |
| Ali's         | مالِ علي                       |

اين مالِ من است.

[اين مالِ مننه]

آن چايِ شيرين مالِ توست.

[اون چايي شيرين مالِ توست]

اين نان و گره مالِ اوست.

[اين نون و پنير مالِ اونه]

آن قَهْوَه ( = ی ) تَلخ مالِ کیست؟

[اون قَهْوَه تلخ مالِ کیه؟]

ماستِ تُرش مالِ دوستِ ماست.

[ماستِ تُرش مالِ دوستِ ماس]

آن میوه‌های شیرین مالِ باغِ پدرِ خانمِ شماست.

Those sweet fruits belong to the garden of your wife's father.

این صندلیهای قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ آنهاست.

[این صندلیای قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ اوناس]

بشنوید و تکرار کنید:

من امشب به خانه می‌آیم<sup>۱</sup>.

[من امشب میام خونه].

از کجا می‌آیی و به کجا می‌روی؟

[از کجا میای و کجا میری؟]

استادِ فارسی هر روز به دانشگاه می‌آید [میاد].

ما هر ماه به اینجا می‌آییم.

چرا ما هر ماه به اینجا می‌آییم؟

[ما هر ماه میایم اینجا].

شما هر هفته به شهر ما می‌آید [میاین].

آنها فردا ساعتِ هشتِ صبح به مشهد می‌آیند.

[اونا فردا ساعتِ هشتِ صُب میان مشهد].

من روی این صندلی می‌نشینم.

---

1. Persian orthography does not permit of two vowels coming together without a separating consonant. Thus when a suffix beginning with a vowel is to be added to a word ending in a vowel, or a prefix ending in a vowel has to be placed before a word beginning with a vowel, it is necessary to insert a *y* or a *hamze* (glottal stop). In certain cases, however, some other consonants are also used. This spelling is in general reflected in pronunciation. So, instead of *miâam* we write and pronounce *miyâyam*.

بِهزاد<sup>۱</sup> همیشه رویِ [رو] آن [اون] صندلی می‌نشیند [می‌نشیند].  
شما کجا می‌نشینید [می‌نشین]؟  
ما زیرِ این درختِ گیلاس می‌نشینیم [می‌نشینیم].  
تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌نشینی]؟  
چرا تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌نشینی]؟  
آنها [اونا] دور از پنجره می‌نشینند [می‌نشینن].  
چرا شما همیشه رویِ این صندلیِ کوچک [کوچیک] می‌نشینید  
[می‌نشین]؟

---

1. A male name.

## تمرین ۵۱

بشنوید و تکرار کنید:

A telephone call

یک گفت و شنودِ تِلْفُنِی

احمد<sup>۱</sup> راجی<sup>۲</sup>: دو... دو... هشت... یک... نه... یک... اَلُو...

منزلِ آقایِ مهندس<sup>۳</sup> کیوان<sup>۴</sup>؟

:بله، بفرمایین.

احمد: آقایِ مهندس هستن؟

گوشی<sup>۵</sup>... کیوان، تِلْفُن...

کیوان: بنده<sup>۶</sup> مهندس کیوان، بفرمایین.

احمد: سلام، مهندس جان<sup>۷</sup>، من احمدِ راجی.

کیوان: سلا...م احمد جان، حالتون چطوره؟ خوبین؟

احمد: آره<sup>۸</sup>، خوبم، خیلی مُتَشکَّرَم، شما چطورین؟، بچه‌ها خوبن؟

کیوان: مَمَنونَم<sup>۹</sup>، همه خوبن.

احمد: پسرِتون از ایتالیا<sup>۱۰</sup> اومد؟

کیوان: آره، پریروز ساعتِ شیشِ صُب اومد.

1. A male name. 2. A surname. 3. Engineer. 4. A surname. 5. Hold on the line.  
6. 'slave', a formal and humble expression for the pronoun I. 7. A very friendly expression, equivalent in meaning to 'dear', used after the names of intimate friends, children etc.  
8. An informal word for 'yes', mostly used in Tehran. 9. Thank you. 10. Italy.

احمد: خُب (= خوب)، چشمِ شما روشن<sup>۱</sup>.  
 کیوان: مُتَشَكِّرَم. خانمِ شما کی از ہند<sup>۲</sup> میان؟  
 احمد: اونم (= اون ہم) فردا شب ساعتِ ده میاد.  
 کیوان: خُب<sup>۳</sup> (= خوب) چشمِ شما (= شما ہم) روشن. چه ساعتی  
 میرین فرودگاہ؟  
 احمد: ما ساعتِ ہف میریم فرودگاہ<sup>۴</sup>.  
 کیوان: ما ہم میاییم. ولی یہ کمی دیرتر. ہواپیما<sup>۵</sup> چه ساعتی  
 می شینہ؟  
 احمد: ساعتِ ہشتِ شب. خوشبختانہ<sup>۶</sup> زود میاد.  
 کیوان: باشہ<sup>۷</sup>. ما ساعتِ نہ میاییم. شما کجا می شینین؟  
 احمد: تا آمدنِ شما ما نزدیکِ اطلاعات<sup>۸</sup> می شینیم.  
 کیوان: خوبہ<sup>۹</sup>. تا فردا شب، خُدا حافظ.  
 احمد: قربانِ شما<sup>۱۰</sup>.

1. A complementary phrase, equivalent in meaning to "how nice it is! congratulations etc." addressed to some one who has had a passenger, dear guest, new-born child, etc. 2. India.  
 3. Well. 4. Airport. 5. Aircraft. 6. Fortunately. 7. O.K. 8. Information desk. 9. All right. 10. A complementary expression used for good bye, thank you, etc.

شما چند بچه دارید؟  
 شما چند تا بچه دارید؟  
 [شما چن تا بچه دارین؟]  
 ما سه تا دختر و یک [یه] پسر داریم.  
 من فقط یک [یه] بچه دارم.  
 شما چند جفت جوراب دارید؟  
 [شما چن جف جوراب دارین؟]  
 آنها بیست و چهار<sup>۱</sup> جفت جوراب دارند.  
 [اونا بیس و چار جف جوراب دارن].  
 دیروز چندبار او را دیدید؟  
 [دیروز چن بار اورو دیدین؟]  
 فقط یک دفعه او را دیدم.  
 [فقط یه دفعه اورو دیدم].

1. Compound numerals (e.g. sixty three) are formed by expressing the largest numeral first and, then, adding the lesser ones with the conjunction , (pronounced «O»), e.g. *hezaro sado haft - ádo panj* «1175».



بشنوید و تکرار کنید.

او گاهی قبل از من غذايش را ميخورد.

تو معمولاً روزی<sup>۱</sup> سه بار غذا ميخوری.

[شما معمولاً بعد از ساعتِ دوازده و نیم ناهارِ تون رو ميخورين.]

آنها [اونا] معمولاً چه ساعتی شام ميخورند [ميخورن]؟

ديروز چه خوردید و حالا چه ميخورید؟

[سه روز قبل چی خوردین؟]

هفته قبل به من چه گفتید و حالا چه ميگويد؟

[هفته قبل به من چی گفتين و حالا چی ميگين؟]

موضوع چیست [چيه]<sup>۲</sup>؟

[جریان<sup>۳</sup> چيه؟]

بعداً جریان را به شما ميگويم.

[بعداً موضوع رو به شما ميگم.]

[فقط يه کمی از موضوع رو به پسرش گفت.]<sup>۴</sup>

کی موضوع را [رو] به زنت ميگویی [ميگی]؟

1. A day    2. What is the matter? what is (it) about?    3. matter, story.    4. He told his son only a little of the story.

## تمرین ۵۹

بشنوید و تکرار کنید:

لطفأ کتاب را به من بده. Give me the book.

لطفأ یک [یه] لیوان آب به او بدهید [بدید، بدین].

لطفأ اسمتان را به پلیس<sup>۲</sup> بگویید [بگید، بگین].

آدرسی<sup>۳</sup> خانها را به پلیس بگو.

امشب فقط سوپ<sup>۴</sup> بخور [بخور].

1. The *Imperative* is formed by adding the prefix *be-* (or *bi-* before a vowel) to the present stem. It has two persons: singular and plural. The singular do not take any conjugational ending, but the plural takes *id [-in]*.

2. Police    3. Address    4. Soup

[أولُ سوپ بُخورین، بعد غذا].

سوپ را [رو] قبل از غذا و چایی را [رو] بعد از غذا بخور.

لطفاً امروز ظهر برای ناهار به خانه ما بیاید.

[لطفاً امروز برا ناهار بیاین خونه ما].

با من بیا.

با برادرت به خانه عمو برو.

[با برادرت برو خونه عمو].

لطفاً از اینجا بروید [برید، برین].

این پیراهن خیلی ارزان است، آن را بخرید.

[این پیرن خیلی ارزونه، اون رو بخرین].

## تمرین ۶۲

بشنوید و تکرار کنید.

پریروز علی آمد ولی شما نیامدید.<sup>۲</sup>

چرا امروز به مدرسه نرفتی؟

هیچکس<sup>۳</sup> در اداره نبود.<sup>۴</sup>

هیچ چیز<sup>۵</sup> [هیچچی] نخوردم.

1. The negative verb is obtained by adding the prefix *na-* to the past tense and imperative, and *ne-* to the present tense. The prefix *mi-* (of the present tense) is retained, but the prefix *be-* (of the imperative) must be dropped. 2. See footnote 1, p. 104. 3. Anybody, no one. 4. Unlike English, the negative expressions such as *hichkas* «no one» *hich chiz* «nothing» *hargez* «never» and the like require negative verbs. 5. Anything, nothing.

آنها دیروز به بازار رفتند ولی هیچ چیز نخریدند.

هیچ<sup>۱</sup> [هیچ‌چی] پول دارید؟

نخیر<sup>۲</sup>، هیچ پول ندارم.

هیچکس<sup>۳</sup> را دیدید؟

نخیر، هیچکس را ندیدم.

این موضوع را [رو] به هیچکس نگو.

به من نگفتید هفته قبل کجا بودید.

هیچوقت<sup>۴</sup> دروغ<sup>۵</sup> نگویید<sup>۶</sup>.

چرا غذایت را نمی‌خوری؟

مجید<sup>۷</sup> کتابهایش را به کسی<sup>۸</sup> نمیدهد.

[مجید کتاباش رو به کسی نمیده].

گرسنه هستی؟

نخیر، من گرسنه نیستم<sup>۹</sup>.

تو هیچوقت در خانه نیستی.

مجید شاگرد زرنگی نیست.

ما برادر او نیستیم.

1. Any, none 2. No! 3. Anybody 4. Never (= no time) 5. Lie 6. Never tell lies (=lie) 7. A male name 8. Anybody 9. The negative form of hastam 'I am', hasti 'you (sing.) are' etc. is nistam 'I am not', nisti 'you are not', etc.

## تمرین ۶۶

بشنوید و تکرار کنید.

سیما خانم و مهری خانم با هم به خرید می‌روند.

Miss Sima and Miss Mehri go shopping together.

صدای زنگِ درِ خانهٔ مهری خانم .....:

مهری: کیه؟

سیما: منم، مهری خانم.

مهری: اومدم.

مهری: سلام .....، به‌به<sup>۱</sup>، خوش آمدین<sup>۲</sup>.

---

1. Oh, lovely.      2. You are welcome.

سيما: سلام مهري خانم، حالتون چطوره؟

مهري: متشگرم، حال شما چطوره؟ بفرماين تو<sup>۱</sup>.

سيما: نه، نيمام تو، دير، ميرم خريد، شما مياين؟

مهري: آره، منم (= من هم) ميام، چن ديقه بياين تو، يه استکان چايي بخورين، بعد با هم ميريم.

مهري: خيلي خوش اومدين، چي ميخورين؟ چايي يا آب پرتقال<sup>۲</sup>؟

سيما: هوا يه کمی گرمه، آب پرتقال خنک بهتره، ممنونم.

سيما: به به چه خنکه! دست شما درد نکنه<sup>۳</sup>.

مهري: خُب. حالا من حاضر<sup>۴</sup>م، بريم<sup>۵</sup>.

مهري: گدوم فروشگاه ميريم؟

سيما: فروشگاه قدس، همه چيز داره.

مهري: با تاکسي<sup>۶</sup> ميريم يا با اتوبوس<sup>۷</sup>؟

سيما: با هيچکدوم<sup>۸</sup>، پياده<sup>۹</sup> ميريم، نزديکه. فقط ده ديقه راهه<sup>۱۰</sup>.

مهري: باشه، پس تندتر بريم، يه کمی دير.

مهري: امروز چي ميخرين؟

سيما: خيلي چيزا، يه جف کفش، براخودم، شيش تا ليوان، چن تا

1. Come in. 2. Orange juice. 3. Thank you very much (= may your hand not be hurt).  
 4. (I) am ready. 5. Let us go. 6. Taxi. 7. Bus. 8. With none of them. 9. On foot.  
 10. (it) is ten minutes walk (= way)

کارد و چنگال، چن تا شورت و زیرپوش برا پسرَم. شما چی  
میخرین؟

مهری: من فقط یه روسری برا خودم میخرَم، یه دامن هم برا فریده،  
دخترم. خیلی پول ندارم.

سیما: من پول دارم، چقد میخواین<sup>۱</sup> (= میخاین)

مهری: نه، خیلی ممنون، هیچ چی.

(در فروشگاه)

سیما: ببخشید آقا، یه جف کفش برا خودم میخوام<sup>۲</sup>.

فروشنده: اندازه تون چنده؟ چه رنگ میخواین؟

سیما: اندازه پای من چهله، رنگ سفید میخوام.

فروشنده: متأسفانه رنگ سفید نداریم. صورتی<sup>۳</sup> داریم.

سیما: باشه، بدین لطفاً، قیمتش چنده؟

فروشنده: سیصد و هشتاد و پنج تومن.

سیما: خوبه، بفرمایین.

فروشنده: مبارکه<sup>۴</sup>!

1. How much do you want?

2. (I) Want.

3. Pink.

4. Congratulation.





## فصل اول

### بعضی از لغات و اصطلاحات مهم کاربردی SOME BASIC EXPRESSIONS

|                                     |                                       |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| yes.                                | بَله.                                 |
| bale. (baleh)                       |                                       |
| No.                                 | نه.                                   |
| na.                                 |                                       |
| Please.                             | لطفاً.                                |
| lotfan.                             |                                       |
| Thank you.                          | متشکرم.                               |
| motshakeram.                        |                                       |
| Thank you very much.                | خیلی متشکرم.                          |
| kheyli. motshakeram.                |                                       |
| You're welcome.                     | خواهش می‌کنم، قابلی ندارد، خوش آمدید. |
| khâhesh. mikonam. ghâbeli. nadârad. |                                       |

## Pronunciation in Persian

letter symbol in this book and examples

| letter | symbol in this book | examples                             |
|--------|---------------------|--------------------------------------|
| ا      | alef                | a asb, ketâb, khorma, khodâ          |
| ب      | be                  | b barg, kabutar, sib, âb             |
| پ      | pe                  | p parcham, separ, chap, tup          |
| ت      | te                  | t tup, setâreh, dast, sut            |
| ث      | se                  | s sor, mosallas, asâs                |
| ج      | jim                 | j jukeh, konjed, ganj, kâj           |
| چ      | che                 | ch chatr, gach, bachche, ghârch      |
| ح      | he                  | h holeh, sahrâh, masih, loh          |
| خ      | khe                 | kh khâneh, golkhâneh, mikh, kakh     |
| د      | dâl                 | d dâs, madâd, sabad, rud             |
| ذ      | zâl                 | z zorrat, gozarnâneh, laziz          |
| ر      | re                  | r rubâh, kareh, shir, mâr            |
| ز      | ze                  | z zanbur, pezeshk, boz, âvâz         |
| ژ      | zhe                 | zh zhâleh, mozheh, lozh, dezhe       |
| س      | sin                 | s sib, pesar, mes, 'arus             |
| ش      | shin                | sh shir, keshti, kafsh, mush         |
| ص      | sâd                 | s sadaf, ghesseh, khâles, ghors      |
| ض      | zâd                 | z zarb, 'azoleh, mariz, hoz          |
| ط      | tâ                  | t tuti, shatranj, khat, hajat        |
| ظ      | zâ                  | z zarf, 'azim, hefâz, hâfez          |
| ع      | 'ayn                | 'a 'aynak, j'âbeh, sham'a, shoja'a   |
| غ      | gheyn               | gh ghâz, loghat, tigh, bâgh          |
| ف      | fe                  | f fil, felfel, kif, kalâf            |
| ق      | ghâf                | gh ghârch, boshghâb, ghâshogh, ojâgh |
| ک      | kâf                 | k kâj, shekar, hamak, pâk            |
| گ      | gâf                 | g gavazn, angur, palang, barg        |
| ل      | lâm                 | l limu, holu, goi, bâl               |
| م      | mim                 | m morgh, kamân, mo'allem, shâm       |
| ن      | nun                 | n nârgil, panir, shirin, nân         |
| و      | vâv                 | v viyolon, tup, âlu, sarv            |
| ه      | he                  | h holu, mahtâb, khaneh, mâh          |
| ی      | ye                  | y yâs, chyn, mâhy, chây              |

|                                    |                        |
|------------------------------------|------------------------|
| my husband.                        | شوهرم.                 |
| shoharam.                          |                        |
| my wife.                           | خانمم.                 |
| khânomam.                          |                        |
| my daughter.                       | دخترم.                 |
| dokhtaram.                         |                        |
| my son.                            | پسرم.                  |
| pesaram.                           |                        |
| How do you do?                     | از آشنایی شما خوشوقتم. |
| az. âshnâiye. shomâ. khoshvaghtam. |                        |
| How are you?                       | حالتان چطور است؟       |
| hâletân. chetor. ast?              |                        |
| Very well, thanks.                 | خیلی خوب است، متشکرم.  |
| kheyli. khub. ast. motshakeram.    |                        |
| And you?                           | شما چطورید؟            |
| shomâ. chetorid?                   |                        |
| How's life?                        | زندگی چطور می‌گذرد؟    |
| zendegi. chetor. migozarad?        |                        |

### Questions

|   |            |
|---|------------|
| Where?  | سؤالات     |
| kojâ.   | کجا؟       |
| Where is ....?  | ... کجاست؟ |
| ... kojâst?   |            |
| Where can I find / get ....?  |            |
| ... râ. kojâ. mitavâ nam. peydâ. konam./ begiram. bekhamam (beravam)? |            |

... را کجا می‌توانم پیدا کنم / بگیرم، بخرم (بروم)؟

|                           |                       |
|---------------------------|-----------------------|
| Sorry.                    | عذرت می‌خواهم.        |
| ma'azerat. mikhâham.      |                       |
| Excuse me.                | ببخشید.               |
| bebakhshid.               |                       |
| <b>Greetings</b>          | سلام و تعارفات روزمره |
| Good morning.             | صبح بخیر.             |
| sobh. bekheir.            |                       |
| Good afternoon.           | بعداز ظهر بخیر.       |
| ba'ad. az. zohr. bekheir. |                       |
| Good evening.             | عصر بخیر.             |
| 'asr. bekheir.            |                       |
| Good night.               | شب بخیر.              |
| shab. bekheir.            |                       |
| Hello _ Hi!               | سلام!                 |
| salâm.                    |                       |
| Goodbye.                  | خدا نگهدار.           |
| khodâ. negahdâr.          |                       |
| See you soon.             | به زودی می‌بینمت.     |
| be. zudi. mibinamat.      |                       |
| This is....               | این ... است.          |
| in ... ast.               |                       |
| Mr./Mrs. ...              | آقا / خانم...         |
| âghâ / khânom.            |                       |
| Miss. ...                 | دوشیزه...             |
| dushizeh ...              |                       |

|  |   |
|--|---|
| How?   | چطور؟                                     |
| chelor?  |   |
| How do I get to ...?                               | چطور می‌توانم به ... برسم؟                |
| chelor mitavânam. be ... beresam?                  |   |
| How far?   | چقدر راه؟، چقدر دور؟                      |
| cheghadr. râh? cheghadr dur?                       |   |
| How long?  | چقدر زمان (چه مدت)؟                       |
| cheghadr. zamân (che. moddat)?                     |   |
| What do you call this / that in English?           |   |
| be. in / ân. dar engelsi. che. miguiyd.            | به این / آن در انگلیسی چه می‌گویید؟       |
|  | این / آن را در انگلیسی چه می‌نامید؟       |
|  | درست است؟                                 |
| Is that right?                                     |   |
| dorost. ast?                                       |   |
| Why?   | چرا؟                                      |
| cherâ?   |   |
| Why are you laughing?                              | چرا (شما) می‌خندید؟                       |
| cherâ (shomâ) mikhandid.                           |   |
| Do you speak ....?                                 | آیا شما .... صحبت می‌کنید؟                |
| Does anyone here speak Dutch?                      |   |
| âyâ. kasi. injâ. âlmâni (holandi) sohbat. mikonad? |   |
|  | آیا کسی اینجا آلمانی (هلندی) صحبت می‌کند؟ |
| I don't speak much English.                        | من خیلی انگلیسی بلد نیستم.                |
| man. kheyli. engelsi. balad. nistam.               |   |

|  |                               |
|--|-------------------------------|
| Who?   | چه کسی؟ کی؟                   |
| che. kasi? ki?                               |                               |
| Who's that?                                  | او کیست؟                      |
| ou. kist?                                    |                               |
| What?  | چه؟                           |
| che?   |                               |
| What is that?                                | آن چیست؟                      |
| ân. chist.                                   |                               |
| What does that mean?                         | آن چه معنی می‌دهد؟            |
| ân. che. ma'ani. midahad.                    |                               |
| Which?                                       | کدام؟                         |
| kodâm.                                       |                               |
| Which bus goes to...?                        | کدام اتوبوس به ... می‌رود؟    |
| kodâm. otobus. be ... miravad?               |                               |
| When?  | چه وقت، کی؟                   |
| che. vaght. key?                             |                               |
| When do we arrive?                           | چه وقت (کی) می‌رسیم؟          |
| che. vaght. (key). miresim?                  |                               |
| When does ... open / close?                  | چه وقت ... باز / بسته می‌شود؟ |
| che. vaght ... bâz / basteh. mishavad?       |                               |
| How much?                                    | چه قدر؟ (غیر قابل شمارش)      |
| che. ghadr? (gheyre. ghâbele. shomâresh).    |                               |
| How many?                                    | چند تا؟ (قابل شمارش)          |
| chand. tâ? (ghâbele. shomâresh).             |                               |
| How much does this cost?                     | چقدر می‌ارزد؟ قیمتش چقدر است؟ |
| cheghadr. miarzad? gheymatash cheghadr. ast? |                               |

I'll see if I can find it in this book.

bebinam. mitavânam. ân. râ. dar. in ketâb. peydâ. konam.

ببینم می‌توانم آن را در این کتاب پیدا کنم.

What does this mean?

این به چه معنی است؟

in. be. che. ma'ani. ast.

I beg your pardon?

بخشید، چه گفتید!

bebakhshid. che. goftid!

I understand.

من فهمیدم، من متوجه شدم.

man. fahmidam, man. motavajjeh. shodam.

I don't understand.

من نفهمیدم، من متوجه نشدم.

man. nafahmidam, man. motevajjeh. nashodam.

Do you understand?

آیا متوجه می‌شوید (شدید)؟

âyâ. motevajjeh. mishavid (shodid)?

Do you have a dictionary? آیا شما فرهنگ لغت (واژه‌نامه) دارید؟

âyâ. shomâ. farhange. loghat (vâzhehnâme) dârid?

I can't find the right translation.

man. tarjomeye. sahihe (doroste) ân. râ. nemitavânam. peydâ.

konam.

من ترجمه صحیح (درست) آن را نمی‌توانم پیدا کنم.

I'm not sure whether the pronunciation is right!

man. motmaen. nistam. ke. talaffoze. ân. sahih (dorost) bâshad!

من مطمئن نیستم که تلفظ آن صحیح (درست) باشد!

Can / may

ممکن بودن، توانستن / اجازه داشتن

Can I have ....?

آیا می‌توانم ... را داشته باشم؟

âyâ. mitavânam ... râ. dâshteh. bâsham.

Could you speak more slowly? آیا ممکن است آهسته‌تر صحبت کنید؟

âyâ. momken. ast. âhesteh. tar. sohbat. konid.

How do you say this in English? این را در انگلیسی چطور می‌گویید؟

in. râ. dar. engelsi. chetor. miguiyd?

Could you write it down, please?

âyâ. momken. ast. lotfan. ân. râ. yâddâsht. konid.

آیا ممکن است لطفاً آن را یادداشت کنید؟

Could you.... it?

آیا ممکن است آن را ... کنید؟

âyâ. momken. ast. ân. râ ... konid.

repeat

تکرار (کردن)

tekrâr (kardan).

spell

هجی (کردن)

hejji (kardan).

explain

توضیح (دادن)

tozih (dâdan).

translate

ترجمه (کردن)

tarjomeh (karan).

Please point to the ..... in the book.

lotfan ... râ. dar. ketâb. be. man. neshân dahid.

لطفاً ... را در کتاب به من نشان بدهید.

phrase

عبارت، اصطلاح

ebârat. estelâh.

word / sentence

واژه، کلمه / جمله

vâzheh. kalameh / jomleh.

Just a moment.

یک لحظه

yek. lahzeh.

What can I offer you to drink?

che. chizi. rá. baráye. nushidan. mitavânam. ta'aârofetân. konam.

چه چیزی را برای نوشیدن می‌توانم تعارفتان کنم؟

Cheers.

بسلامتی (در هنگام نوشیدن)

be. salâmati.

I'll get in touch.

تماس می‌گیرم.

tâmâs. migiram.

To have / To be

داشتن / بودن

I have / We have ....

من ... دارم / ما ... داریم.

man ... dâram / mâ ... dârim.

I have lost ....

من ... را گم کرده‌ام.

man ... rá. gom. kardeham.

I'm / I am.

من هستم.

man. hastam.

We're / We are.

ما هستیم.

mâ. hastim.

I'm hungry.

من گرسنه‌ام.

man goresneham.

I'm thirsty

من تشنه‌ام.

man. teshneham.

I'm lost.

من گم شده‌ام.

man. gom. shodeham.

I'm late.

من دیر کرده‌ام، دیرم شده است.

man. dir. kardeham, diram. shodeh. ast.

I'm tired.

من خسته‌ام.

man. khasteham.

Can we have ....?

آیا ما ممکن است ... را داشته باشیم؟

âyâ. mâ. momken ast ... rá. dâshteh. bâshim.

Can you show me...?

آیا ممکن است ... را به من نشان بدهید؟

âyâ. momken. ast ... rá. be. man. neshân. bedahid.

Can you tell me....?

آیا ممکن است ... را به من بگوئید؟

âyâ. momken. ast ... rá. be. man. beguyid?

Can you help me?

آیا ممکن است به من کمک کنید؟

âyâ. momken. ast ... be. man. komak. konid?

Can you direct me to ....?

آیا می‌توانید مرا به ... راهنمایی کنید؟

âyâ. mitavânid ... marâ. be ... rahnamâiy. konid.

Wanting

خواستن

I'd like ....

من ... می‌خواهم.

man ... mikhâham.

We'd like ....

ما ... می‌خواهیم.

mâ ... mikhâhim.

Could you give me this / that , please?

momken. ast. lotfan. in / ân. rá. be. man. bedahid.

ممکن است لطفاً این / آن را به من بدهید؟

Bring me ....

برایم ... را بیاور.

barâyam ... rá. biyâvar.

Show me ....

به من ... را نشان بده.

be. man ... rá. neshân. bedeh.

I'm looking for ....

من دارم دنبال ... می‌گردم.

man. dâram. donbâle ... migardam.

I need ....

من به ... نیاز دارم.

man. be ... niyâz. dâram.

There is no .... وجود ندارد، ... نیست

... vojud, nadârad ... nist.

There are no .... هایی وجود ندارند، ... نیستند.

... hâiy, vojud, nadârand... nistand.

There isn't any ... هیچ ... وجود ندارد، هیچ ... نیست.

hich ... vojud, nadârad, hich ... nist.

There aren't any ....

hich ... hâiy ... vojud nadârand, hich ... hâiy ... nistand.

هیچ ... هایی ... وجود ندارند، هیچ ... هایی ... نیستند.

Quantities. مقدار و اندازه‌ها.

a little / a lot. یک کم، کمی / زیاد، خیلی

yek. kam, kami / ziyâd, kheyli.

few / a few. کم، کمی / چندتا، چند ...

kam. kami / chand.tâ. chand ...

much. زیاد، خیلی (تعداد غیر قابل شمارش)

ziyâd, kheyli (te'adâd). gheyre. ghâbele. shomâresh.

many. زیاد، خیلی (تعداد قابل شمارش)

ziyâd, kheyli (te'adâd). ghâbele. shomâresh.

more / less. بیشتر، دیگر / کمتر

bishtar. digar / kamtar.

enough / too (much). به اندازه کافی، کافی / زیاد، فراوان

be. andâzehy. kâfi, kâfi / ziyâd. farâvân.

Opposites. متضادها.

outside / inside. بیرون، خارج / داخل، تو، درون

birun. khârej / dâkhel. tu. darun.

I'm / You're / He is , She is , It is.

man. hastam / to. hasti. / ou. hast.

من هستم / تو (شما) هستی / او (مذکر - مؤنث - خنثی) هست.

We are.

ما هستیم.

mâ. hastim.

You are.

شما هستید.

shomâ. hastid.

They are.

آنها هستند.

ânhâ. hastand.

It is / There is

آن است (هست) / هست، وجود دارد

It is / It's.

آن است (هست).

ân. ast (hast).

It isn't ....

آن ... نیست.

ân ... nist.

Is it ....?

آیا آن ... است (هست)؟

âyâ. ân ... ast (hast)?

It is important.

مهم است.

mohem. ast.

It's urgent.

فوری است، اضطراری است.

fori. ast, ezterâri. ast.

There is / There are ...

هست، وجود دارد / هستند، وجود دارند.

hast. vojud. dârad. / hastand. vojud dârand.

Is there / Are there...?

âyâ ... hast,âyâ ... vojud. dârad /âyâ ... hastand,âyâ ... vojud dârand?

آیا ... هست، آیا ... وجود دارد / آیا ... هستند، آیا ... وجود دارند؟

|                                |                     |
|--------------------------------|---------------------|
| free / occupied                | آزاد / اشغال        |
| âzâd / eshghâl.                |                     |
| early / late                   | زود / دیر           |
| zud / dir.                     |                     |
| hot / cold                     | گرم / سرد           |
| garm / sard.                   |                     |
| <b>Prepositions</b>            | حروف اضافه          |
| on                             | روی                 |
| ruye.                          |                     |
| behind                         | عقب، پشت            |
| aghabe, poshte.                |                     |
| except                         | بجز، به غیر از      |
| be. joz, be. gheyr. az.        |                     |
| at                             | در، در کنار         |
| dar, dar. kenâr.               |                     |
| through                        | از میان، از وسط، از |
| az. miyâne, az. vasate, az.    |                     |
| during                         | در طول، در طول مدت  |
| dar. tule, dar. tule. moddate. |                     |
| in                             | در، تو، توی         |
| dar, tu, tuye.                 |                     |
| with                           | با                  |
| bâ.                            |                     |
| after                          | بعد از              |
| ba'ad. az.                     |                     |

|                      |               |
|----------------------|---------------|
| near / far.          | نزدیک / دور.  |
| nazdik / dur.        |               |
| easy / difficult.    | آسان / دشوار. |
| âsân / doshvâr.      |               |
| good / bad.          | خوب / بد.     |
| khub . bad.          |               |
| cheap / expensive.   | ارزان / گران. |
| arzân / gerân.       |               |
| big / small.         | بزرگ / کوچک.  |
| bozorg / kuchak.     |               |
| right / wrong.       | درست / غلط.   |
| dorost / ghalat.     |               |
| light / heavy.       | سبک / سنگین.  |
| sabok / sangin.      |               |
| up / down.           | بالا / پایین. |
| bâlâ. pâiyn.         |               |
| open / shut (close). | باز / بسته.   |
| bâz / basteh.        |               |
| old / young          | پیر / جوان    |
| pir / javân.         |               |
| old / new            | کهنه / نو     |
| kohneh / no.         |               |
| fast / slow          | تند / آهسته   |
| tond / âhesteh.      |               |
| full / empty         | پر / خالی     |
| por / khâli.         |               |

without بدون  
bedune.

**Some more useful words.**

already چند واژه سودمند دیگر  
تاحالا، فعلاً، همه

tâ. hâlâ, fe'alan, hameh.

then سپس، پس از آن، از

sepas, pas. az. ân, az.

and و

va.

but اما

amâ.

perhaps شاید

shâyad

nobody هیچکس

hich. kas.

not ن (علامت منفی که همراه فعل می آید)

na (alâmate. manfi. ke. hamrâhe. fe'al. miâyad).

no more بیشتر نه، هم نه

bishtar. na, ham. na.

nothing هیچی، هیچ

hichi, hich.

yet هنوز

hanuz.

never هرگز

hargez.

to / towards به سوی، به

be. suye, be.

next to نزدیک، پهلوئی

nazdike. pahluye.

under زیر

zir.

on ... روی ...

ruye ...

over بالای

bâlâye.

since از

az.

against در برابر، در مقابل، روبروی

dar. barâbare, dar. moghâbele, ruberuye.

until تا

tâ.

between میان، بین

miyâne. beyne.

from از

az.

for برای

barâye.

before قبل از

ghabl. az.

in front of روبروی، مقابل

ruberuye, moghâbele.





فصل دوم

ورود  
ARRIVAL

Passport control

Here is my...

befarmâyid. in ... man. ast.

passport

gozarnâme (gozarnâmeh). pâsport.

identity card

kârte. shenâsâiy. shenâsnâme.

Green Card

kârte. sabz.

driving licence.

govâhinâmeye. rânandegi.

Here are my car registration papers.

befarmâyid. in. madâreke. mâlekiyate. otomobile. man. ast.

بفرمایید این مدارک مالکیت اتومبیل من است.

کنترل گذرنامه (پاسپورت)

بفرمایید این ... من است.

گذرنامه، پاسپورت

کارت شناسایی، شناسنامه

کارت سبز

گواهینامه رانندگی

now

حالا، الآن

hâlâ. alân.

or

یا

yâ.

also

همچنین، نیز

hamchenin, niz.

only

فقط

faghat.

soon

به زودی، زود

bezudi, zud.

always

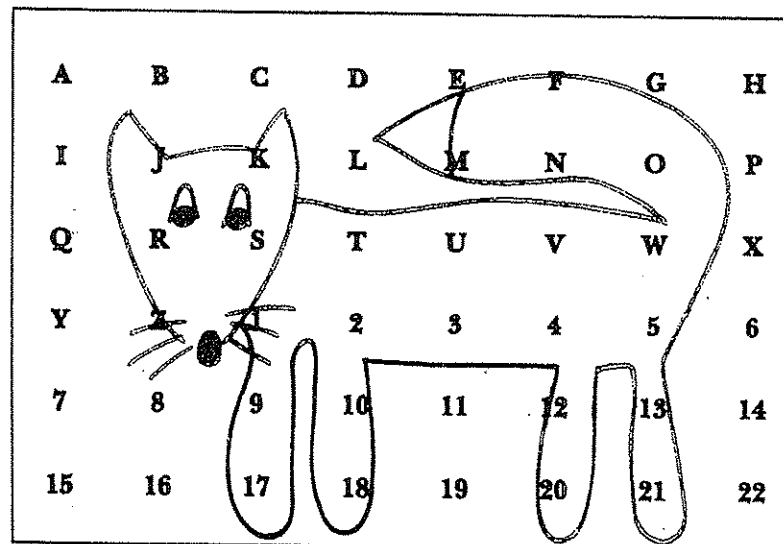
همیشه

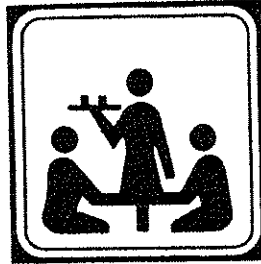
hamishe (hamisheh).

very

خیلی

kheyli.





## فصل سوم

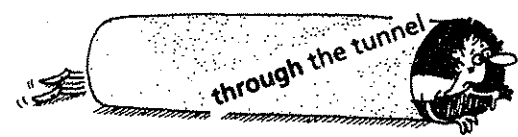
صرف غذا بیرون از منزل / EATING OUT

# صرف غذا بیرون از منزل EATING OUT

- Meal times** زمان وعده‌های غذا
- 7 - 11 (breakfast)** ۷ تا ۱۱ (صبحانه)
- haft. tâ. yâzdah. (sobhâneh).
- 12 - 14 (lunch)** ۱۲ تا ۱۴ (ناهار)
- davâzdah. tâ. châhârdah (nâhâr).
- 19 - 22 / 23 (dinner)** ۱۹ تا ۲۲ یا ۲۳ (شام)
- nuzdah. tâ. bist - o - do. yâ. bisto. se. (shâm).
- Eating out** صرف غذا بیرون از منزل
- I'm hungry / thirsty.** من گرسنه / تشنه هستم.
- man. gorosne / teshne. hastam.
- Can you recommend a good restaurant?**
- âyâ. mitavânid. yek. resturân. khub. mo'arefi. konid?
- آیا می‌توانید یک رستوران خوب معرفی کنید؟

صرف غذا بیرون از منزل

- for a car** برای هر ماشین
- barâye. har. mâshin.
- for a tent** برای هر چادر
- barâye. har. châdor.
- for a caravan** برای هر کاراوان (واگن)
- barâye. har. kârâvân (vâgon).
- Is there .....?** آیا ..... وجود دارد؟
- âyâ. vojud. dêrad?
- drinking water** آب آشامیدنی
- âbe. âshamidani.
- electricity** برق
- bargh.
- a playground** زمین بازی
- zemine. bâzi.
- a swimming pool** استخر، استخر شنا
- estakhr, estakhre. shenâ.
- Where can I get butane gas?** کجا می‌توانم گاز بوتان بگیرم (تهیه کنم)؟
- kojâ. mitavânam. gâze. butân. begiram. (tahiye. konam)?



PERSON ON TRIP

|  |                                       |
|--|---------------------------------------|
| fat.   | چربی.                                 |
| charbi.  |                                       |
| sugar / salt.                                  | شکر / نمک.                            |
| shekar / namak.                                |                                       |
| Do you have .... for diabetics?                | آیا شما ..... برای بیماران قند دارید؟ |
| âyâ. shomâ ... barâye. bimârâne. ghand. dârid? |                                       |
| cakes  | کیک                                   |
| keyk.  |                                       |
| a special menu                                 | صورت غذای مخصوص                       |
| surate. ghazâye. makhsus.                      |                                       |
| fruit juice                                    | آب میوه                               |
| âb. miveh.                                     |                                       |
| <b>Breakfast</b>                               | صبحانه                                |
| sobhâneh.                                      |                                       |
| I'd like breakfast, please.                    | لطفاً صبحانه می‌خواهم.                |
| lotfan. sobhâneh. mikhâham.                    |                                       |
| I'd like .....                                 | من ..... می‌خواهم.                    |
| man ... mikhâham.                              |                                       |
| (hot) chocolate.                               | شیرکاکائو (گرم).                      |
| shir. kâkâou. (garm).                          |                                       |
| (some) coffee ....                             | قهوه.....                             |
| ghahve ...                                     |                                       |
| with milk / cream.                             | با شیر / خامه.                        |
| bâ. shir / khâme (khâme).                      |                                       |
| decaffeinated.                                 | بدون کافئین.                          |
| bedune. kâfeyin.                               |                                       |

|  |  |
|--|--|
| a fork   | یک چنگال   |
| yek. changâl.  |  |
| I'd like some .....  | من مقداری (کمی) ... می‌خواهم.                    |
| man. meghdâri (kami) ... mikhâham.                             |  |
| vinegar.   | سرکه.  |
| serke.   |  |
| butter.  | کره.   |
| kareh.   |  |
| bread.   | نان.   |
| nân.   |  |
| oil.   | روغن.  |
| roghan.  |  |
| pepper.  | لفل.   |
| felfel.  |  |
| sugar.   | شکر.   |
| shekar.  |  |
| salt.  | نمک.   |
| namak.   |  |
| Can I have some more .....                                     | آیا ممکن است کمی دیگر ... برایم بیاورید؟         |
| âyâ. momken. ast. kami. digar ... barâyam. biyâvarid?          |  |
| Nothing more, thanks.  | کافی است، خیلی متشکرم.                           |
| kâfi. ast. kheyli. motshakeram.                                |  |
| <b>Diet</b>  | رژیم غذایی                                       |
| I'm on a diet.   | من رژیم غذایی دارم.                              |
| man. rezhime. ghazâyi. dâram.                                  |  |
| I musn't eat food containing .....                             |  |
| man. nabâyad. ghazâhâyi. râ. ke. dârâye ... hastand. bokhoram. | من نباید غذاهایی را که دارای ..... هستند، بخورم. |

What is that?

آن چیست؟

ân. chist?

I'm in a hurry.

من عجله دارم.

man. 'ajale. dâram.

Can you serve me immediately? آیا ممکن است غذایم را فوراً بیاورید؟

âyâ. momken. ast. ghazâyam. râ. foran. biyâvarid.

Could we have a plate for the child?

âyâ. momken. ast. boshghâbi. barâye. bachcheyeman. be. mâ.

bedahid?

آیا ممکن است بشقابی برای بچه‌مان به ما بدهید؟

Could we have .... please? ممکن است لطفاً .... برایمان بیاورید؟

momken. ast. lotfan ... barâyemân. biyâvarid?

a plate

یک بشقاب

yek. boshghâb.

a bottle of .....

یک بطری .....

yek. botri.

a glass

یک لیوان (گیلاس)

yek. livân (gilâs).

a cup

یک فنجان

yek. fenjân.

a spoon

یک قاشق

yek. ghâshogh.

(some) matches

(چند تا) کبریت

(chand. tâ) kebrit.

a knife

یک چاقو

yek. châghu.

a napkin

یک دستمال سفره

yek. dastmâle. sofreh.

Is there an inexpensive restaurant around here?

âyâ. resturan. arzân. in. atrâf (nazdikihâ) peydâ. mishavad.

آیا رستوران ارزان این اطراف (نزدیکی‌ها) پیدا می‌شود؟

I'd like to reserve a table for 5. می‌خواهم برای ۵ نفر یک میز رزرو کنم.

mikhâham. barâye. panj. nafar. yek. miz. rezerv. konam.

We will come at 8.

ما ساعت ۸ می‌آییم.

mâ. sâ'ate. hasht. miâiyim.

Could we have a table .....

آیا ممکن است میز ما .... باشد؟

âyâ. momken. ast. mize. mâ ... bâshad?

outside

خارج، بیرون

khârej, birun.

in the corner

در گوشه

dar. gushe.

by the window

کنار پنجره

kenâre. panjareh.

in the non - smoking section

در قسمت غیرسیگاری‌ها

dar. ghesmate. gheyre. sigârihâ.

on the terrace

روی تراس

ruye. terâs

Asking and ordering

درخواست و سفارش

I'd like something to eat / drink.

chizi. barâye. khordan / nushidan. mikhâham.

چیزی برای خوردن / نوشیدن می‌خواهم.

May I have the menu / the drink list, please?

momken. ast. lotfan. surate. ghazâ / surate nushidanihâ. râ.

barâyam. biyâvarid?

ممکن است لطفاً صورت غذا / صورت نوشیدنی‌ها را برایم بیاورید؟

jam مربا  
 morabâ.  
 cheese پنیر  
 panir.  
 marmalade مربای پرتقال، مارمالاد  
 morabâye. porteghâl. marmâlâd.  
 toast نان برشته، نان سوخاری، نان توست

nâne. bereshteh. nâne. sokhâri. nâne. tost.  
 Could you bring me ....? ممکن است ..... برایم بیاورید؟  
 momken. ast ... barâyam. biyâvarid?  
 some hot / cold water مقداری آب گرم / سرد  
 meghdâri. âbe. garm / sard.

What's on the menu? در صورت غذا (منو) چیست؟  
 تابلویی که در جلوی هر رستوران به چشم می خورد:

|                                    |                     |
|------------------------------------|---------------------|
| Dish of the day.                   | غذای روز            |
| ghazâye. ruz.                      |                     |
| Set menu                           | صورت غذای هر روزه   |
| surate. ghazâye. har. ruzeh.       |                     |
| Speciality of the house.           | غذای مخصوص طبخ منزل |
| ghazâye. makhsuse. tabkhe. manzel. |                     |
| When in season                     | غذای فصل            |
| ghazâye. fasl.                     |                     |
| Minimum charge                     | (غذای) حداقل قیمت   |
| (ghazâye) hadeaghale. gheymat.     |                     |

beer. ماء الشعیر.  
 maoshaiyr.

صورت غذا بیرون از منزل / EATING OUT

without milk. بدون شیر.  
 bedune. shir.  
 (some) milk. مقداری شیر.  
 meghdâri. shir.  
 cold / hot. سرد / گرم.  
 sard / garm.  
 (some) orange juice. آب پرتقال.  
 âbe. porteghâl.  
 (some) tea. چای.  
 chây.  
 May I have some .....? آیا ممکن است مقداری (کمی) ... برایم بیاورید؟  
 âyâ. momken. ast. meghdâri (kami) ... barâyam. biyâvarid?  
 butter کره  
 kare (kareh).  
 bread نان  
 nân.  
 rolls نان باجَت، کرده نان  
 nâne. bâget, gerdehye. nân.  
 eggs تخم مرغ (ها)  
 tokhmemorgh (hâ).  
 fried eggs تخم مرغ نیمرو، نیمرو  
 tokhmemorgh. nimru, nimru..  
 boiled egg تخم مرغ آب پز، تخم مرغ پخته  
 tokhmemorghe. âb. paz, tokhmemorghe. pokhteh.  
 hard / soft سفت / شل و عسلی  
 seft / shol. va. 'asali.  
 honey عسل  
 'asal.

فارسی در سفر

PERSION ON TRIP

## Starters

pish. ghazâhâ, eshtehâ. âvarhâ.

caviar.

khâviyâr.

cold cuts.

gushte. pokhteye. sard.

crab cocktail.

(ghazâye) makhlute. kharchang.

cucumber.

khiyâr.

eggs.

tokhme.morgh (hâ).

hard - boiled.

âb. paz. seft.

fish.

mâhi.

grapefruit.

girip. furut.

orange.

porteghâl.

liver sausage.

susise. jegar.

melon.

kharbozeh.

mushrooms.

ghârçh.

mussels.

sadafe. khorâki. mâsel.

پیش غذاها، اشتهاورها

خاویار.

گوشت پخته سرد.

(غذای) مخلوط خرجنگ.

خیار.

تخم مرغ (ها).

آب پز، سفت.

ماهی.

گریپ فروت.

پرتقال.

سوسیس جگر.

خریزه.

قارچ.

صدف خوراکی، ماسیل.

dessert.

deser.

drinks.

nushidanihâ.

fish.

mâhi.

fruit.

miveh.

meat.

gusht.

potatoes.

sibzamini.

rice.

berenj.

salads.

sâlâdhâ.

seafood.

ghazâye. daryâiy.

snacks.

ghazâhâye. sabok. ghazâhâye. sarepâiy.

soups.

suphâ.

starters.

pish. ghazâhâ, eshtehâ. âvarhâ.

tea.

chây.

vegetables.

sabzijât.

دسر.

نوشیدنی‌ها.

ماهی.

میوه.

گوشت.

سیب زمینی.

برنج.

سالادها.

غذای دریایی.

غذاهای سبک، غذاهای سرپایی.

سوپ‌ها.

پیش غذاها، اشتهاورها

چای.

سبزیجات.

|                                   |                 |
|-----------------------------------|-----------------|
| spinach soup.                     | سوپ اسفناج.     |
| supe. esfenâj.                    |                 |
| tomato soup.                      | سوپ گوجه فرنگی. |
| supe. gojefarangi (gojehfarangi). |                 |
| vegetable soup.                   | سوپ سبزی.       |
| supe. sabzi.                      |                 |

## Meats

|                                 |                           |
|---------------------------------|---------------------------|
| gushthâ.                        | گوشت‌ها                   |
| I'd like some .....             | من مقداری ..... می‌خواهم. |
| man. meghdâri ... mikhâham.     |                           |
| veal.                           | گوشت کوساله.              |
| gushte. gusâleh.                |                           |
| lamb.                           | گوشت بره.                 |
| gushte. bareh (barreh).         |                           |
| beef.                           | گوشت گاو.                 |
| gushte. gâv.                    |                           |
| chop.                           | گوشت دنده، گوشت کتلت.     |
| gushte. dandeh. gushte. kotlet. |                           |
| kidneys.                        | قلوه.                     |
| gholveh.                        |                           |
| leg.                            | گوشت ران.                 |
| gushte. rân.                    |                           |
| liver.                          | جگر.                      |
| jegar.                          |                           |
| sausage.                        | سوسیس.                    |
| susis (sosis).                  |                           |

|  |   |
|--|---|
| omelette.  | املت.   |
| omlet.   |   |
| potato salad.  | سالاد سیب زمینی.                              |
| sâlâde. sibzamini.   |   |
| salad.   | سالاد.  |
| sâlâd.   |   |
| sardines.  | ساردین‌ها (ماهی‌های کنسرو شده).               |
| sârdinhâ (mâhihâye. konserv. shodeh).                            |   |
| tomato juice.  | آب گوجه فرنگی.                                |
| âbe. gojefarangi.  |   |
| tuna.  | ماهی تُن، تُن.                                |
| mâhiye. ton, ton.  |   |
| French dressing.   | سس سالاد (ترکیبی از سرکه، روغن زیتون و ادویه) |
| sose. sâlâd. (tarkibi. az. serkeh. roghan. zeytun. va. adviyeh). |   |
| Soups  | سوپ‌ها  |
| suphâ.   |   |
| I'd like some soup.  | من مقداری سوپ می‌خواهم.                       |
| man. meghdâri. sup. mikhâham.                                    |   |
| crab soup.   | سوپ خرچنگ.                                    |
| supe. kharchang.   |   |
| chicken soup.  | سوپ مرغ.                                      |
| supe. morgh.   |   |
| French onion soup.   | سوپ پیاز فرانسوی.                             |
| supe. piyâze. farânsavi.   |   |
| soup of the day.   | سوپ روز.                                      |
| supe. ruz.   |   |

|                              |                         |
|------------------------------|-------------------------|
| duckling.                    | جوجه اردک، جوجه مرغابی. |
| juje. ordak, juje. morghâbi. |                         |
| goose.                       | غاز.                    |
| ghâz.                        |                         |
| rabbit.                      | خرگوش.                  |
| khargush.                    |                         |
| turkey.                      | بوقلمون.                |
| bughalamun.                  |                         |
| <b>Vegetables</b>            | سبزیجات، سبزی‌ها        |
| sabzijât. sabzihâ.           |                         |
| aubergine.                   | بادمجان.                |
| bâdemjân.                    |                         |
| French beans.                | لوبیای سبز.             |
| lubiyâye. sabz.              |                         |
| kidney beans.                | لوبیای قرمز.            |
| lubiyâye. ghermez.           |                         |
| cabbage.                     | کلم.                    |
| kalam.                       |                         |
| corn.                        | ذرت.                    |
| zorrat.                      |                         |
| leek.                        | تره فرنگی.              |
| tareh. farangi.              |                         |
| onions                       | پیاز.                   |
| piyâz.                       |                         |
| peas.                        | نخود، نخود سبز.         |
| nokhod, nokhode. sabz.       |                         |

|  |                               |
|--|-------------------------------|
| shoulder.  | گوشت سردست.                   |
| gushte. sar. dast.                                 |                               |
| tongue.  | زبان.                         |
| zabân.   |                               |
| <b>barbecued.</b>                                  | کباب شده روی منقل.            |
| kabâb. shodehye. ruye. manghal.                    |                               |
| roast.   | روی صفحه روستر برشته شده.     |
| ruye. safheye. ruster. bereshteh. shodeh.          |                               |
| fried.   | سرخ کرده.                     |
| sorkh. kardeh                                      |                               |
| boiled.  | آب‌پز، پخته شده.              |
| âb. paz. pokhteh. shodeh.                          |                               |
| cold.  | سرد.                          |
| sard.  |                               |
| underdone.   | آیدار (کباب و استیک).         |
| âbdâr (kabâb. va. esteyk).                         |                               |
| medium.  | متوسط سرخ یا پخته شده.        |
| motavaset. sorkh. yâ. pokhteh. shodeh.             |                               |
| well - done.                                       | کاملاً پخته، پخته پخته.       |
| kâmelan. pokhteh, pokhtehye. pokhteh.              |                               |
| <b>barbecued chicken.</b>                          | مرغ کباب شده روی منقل.        |
| morghe. kabâb. shodehye. ruye. manghal.            |                               |
| roast chicken.                                     | مرغ برشته شده روی صفحه روستر. |
| morghe. bereshte. shodehye. ruye. safheye. ruster. |                               |
| duck.  | اردک، مرغابی.                 |
| ordak, morghâbi.                                   |                               |



|                    |                |
|--------------------|----------------|
| apple.             | سیب.           |
| sib.               |                |
| banana.            | موز.           |
| moz.               |                |
| grapefruit.        | گریپ فروت.     |
| girip. furut.      |                |
| lemon.             | لیموترش، لیمو. |
| limu. torsh, limu. |                |
| melon.             | خربزه.         |
| kharbozeh.         |                |
| orange.            | پرتقال.        |
| porteghâl.         |                |
| pear.              | کلابی.         |
| golâbi.            |                |
| pineapple.         | آناناس.        |
| ânânâs.            |                |
| strawberries.      | توت فرنگی.     |
| tutfarangi.        |                |

## Dessert

دسر

deser

I'd like a dessert, please.

لطفاً دسر می‌خواهم.

lotfan. deser. mikhâham.

Something light, please.

لطفاً یک چیز (دسر) سبک.

lotfan. yek. chiz (deser - e -). sabok.

I'd like to try .....

من می‌خواهم .... را مزه‌مزه و امتحان کنم.

man. mikhâham ... râ. mazes .mazes. va. emtehân. konam.

|                                    |                                |
|------------------------------------|--------------------------------|
| salad.                             | سالاد.                         |
| sâlâd.                             |                                |
| What vegetables do you have?       | چه سبزیجاتی (سبزی‌هایی) دارید؟ |
| che. sabzijâti. (sabzihâiy) dârid? |                                |

## Potatoes - Rice

سیب زمینی - برنج

sib. zamini - berenj

chips.

چیپس.

chips.

macaroni.

ماکارونی.

mâkâroni.

macaroni cheese.

ماکارونی با سس پنیر.

mâkâroni. bâ. sose. panir.

potatoes.

سیب زمینی.

sib. zamini.

baked.

پخته شده، تنوری.

pokhteh. shodeh, tanuri.

fried.

سرخ کرده.

sorkh. kardeh.

rice.

برنج.

berenj.

boiled.

پخته شده، کته شده (برای برنج).

pokhteh. shodeh, kateh. shodeh (barâye. berenj).

Fruit

میوه، میوه‌ها

miveh. mivehhâ

Do you have any fresh fruit?

آیا میوه تازه دارید؟

âyâ. mivehye. tâzeh. dârid?

PERSON ON FIRE

|   |  |
|---|--|
| jelly.  | ژله.   |
| zheleh.   |  |
| tart.   | تارت (کیک میوه‌ای همراه با وانیل زیاد).              |
| tárt (keyke. mivehiy. hamráhe. bá. vânil. ziyád).                         |  |
| waffles.  | وافل‌ها، نوعی کیک‌های چهارگوش که در لیست دسر هم هست. |
| vâfelhá. (no'ai. keykhâye. cháhâr.gush. ke dar. liste. deser. ham. hast). |  |
| banana.   | موز.   |
| moz   |  |
| lemon.  | لیموترش، لیمو.                                       |
| limu. torsh, limu.  |  |
| orange.   | پرتقال.  |
| porteghâl.  |  |
| pistachio (pistach).  | پسته.  |
| pesteh.   |  |
| coffee.   | قهوه.  |
| ghahveh.  |  |

### Non-alcoholic drinks

|                                |                         |
|--------------------------------|-------------------------|
| nushidaniháye. gheyre. alkoli. | نوشیدنی‌های غیرالکلی    |
| I'd like some .....            | من مقداری ... می‌خواهم. |
| man. meghdâri ... mikhâham.    |                         |
| apple juice.                   | آب سیب.                 |
| âbe. sib.                      |                         |
| iced tea.                      | چای سرد.                |
| châye. sard.                   |                         |
| lemonade.                      | لیموناد.                |
| limunâd.                       |                         |

|   |   |
|---|---|
| Just a small portion.                                       | یک پرس کوچک (یکنفره).                         |
| yek. porse. kuchak. (yek. nafareh).                         |   |
| Nothing more, thanks.                                       | کافی است، خیلی متشکرم.                        |
| kâfi. ast. kheyli. motshakeram.                             |   |
| apple pie.  | (شیرینی) پای سیب.                             |
| (shirini) pâye. sib.  |   |
| Christmas pudding.  | پودینگ کریسمس.                                |
| pudinge. kerimas.   |   |
| Dutch apple pie.  | (شیرینی) پای سیب هلندی.                       |
| (shirini) pâye. sibe. holandi.                              |   |
| fools.  | کریم میوه‌ها (مخلوطی از میوه‌ها، شکر و خامه). |
| kereme. mivehá (makhluti. az. mivehhâ. shekar. va. khâneh). |   |
| summer pudding.   | پودینگ تابستانی.                              |
| pudinge. tâbestâni.   |   |
| blancmange.   | بلامانژ (یک نوع کیک سفید فرانسوی).            |
| belâmânzh (yek. no'a. keyke. sefide. farânsavi).            |   |
| cheesecake  | کیک پنیر.                                     |
| keyke. panir.   |   |
| chocolate pudding.  | پودینگ شکلاتی.                                |
| pudinge. shokolâti.   |   |
| cream.  | کریم، خامه، سرشیر.                            |
| kerem. khâneh, sar.shir.                                    |   |
| cream caramel.  | کریم کارامل.                                  |
| kerem. kârâmel.   |   |
| fruit salad.  | سالاد میوه.                                   |
| sâlâde. miveh.  |   |
| ice cream.  | بستنی.  |
| bastani.  |   |

## Tea-time and Coffee

زمان چای (عصرانه) و قهوه

zamâne. chây. ('asrâneh). va. ghahveh.

A pot of tea for 4, please.

لطفاً یک قوری چای ۴ نفره.

lotfan. yek. ghuri. chây. châhâr. nafareh.

A cup of tea with lemon, please.

لطفاً یک فنجان چای با لیمو ترش.

lotfan. yek. fenjân. chây. bâ. limu.torsh.

No milk, please

لطفاً بدون شیر.

lotfan. bedune. shir.

Some sugar, please.

لطفاً مقداری شکر.

lotfan. meghdâri. shekar.

With milk, please.

لطفاً با شیر.

lotfan. bâ. shir.

butter.

کره.

kareh.

bread.

نان.

nân.

rolls.

نان باگت، کرده نان.

nâne. bâget, gerdehye. nân.

cake.

کیک.

keyk.

honey.

عسل.

âsal.

jam.

ژربا.

morabâ.

biscuits.

بیسکویت.

biskuiyt.

fruit - cake.

کیک میوه‌ای.

keyke. mivehiy.

mineral water.

آب معدنی.

âb. ma'adani.

fizzy.

کازدار (نوشابه).

gâz.dâr. (nushâbeh).

still.

بی‌کاز، بی‌جوش (نوشابه).

bi.gâz, bijush (nushâbeh).

tomato juice.

آب گوجه‌فرنگی.

âbe. gojehfarangi.

fruit juice.

آب میوه.

âb. miveh.

pineapple juice.

آب آناناس.

âb. ânânâs.

lemon juice.

آب لیمو (ترش).

âb. limu (torsh).

orange juice.

آب پرتقال.

âb. porteghâl.

I'd like a ....

من یک .... می‌خواهم.

man. yek ... mikhâham.

soft drink.

نوشابه غیرالکلی.

nushâbehye. gheyre. alkoli.

a glass of water.

یک لیوان آب.

yek. livân. âb.

CHEERS

به سلامتی

be. salâmati.

What would you like to drink?

نوشیدنی چه میل دارید؟

nushidani. che. meyl. dârid?

There is a plate / glass missing. یک بشقاب / لیوان کم است.

yek. boshghâb. / livân. kam.ast.

I don't have a spoon / knife / fork. من قاشق / چاقو / چنگال ندارم.

man. ghâshogh / châghu / changâl. nadâram.

That's not what I ordered. آن چیزی نیست که من سفارش دادم.

ân. chizi. nist. ke. man. sefâresh. dâdam.

I asked for... من سفارش ... را دادم.

man. sefâresh ... râ. dâdam.

There must be some mistake. باید اشتباهی روی (رخ) داده باشد.

bâyed. eshtebâhi. ruy (rokh). dâdeh. bâshad.

May I change this? آیا ممکن است این را عوض کنم؟

âyâ. momken. ast. in. râ. 'avaz. konam?

I asked for a small portion (for the child).

من یک پرس کوچک (برای بچه) سفارش دادم.

man. yek. porse. kuchak (barâye. bachcheh) sefâresh. dâdam.

The meat is... گوشت ... است.

gusht ... ast.

overdone. خیلی پخته و سرخ شده.

kheyli. pokhteh. va. sorkh. shodeh.

underdone. آبدار

âbdâr.

too tough. خیلی سفت، غیرقابل جویدن.

kheyli. seft, gheyre. ghâbele. javidan.

bitter. تلخ.

talkh.

sweet. شیرین.

shirin.

coffee. قهوه.

ghahve (ghahveh).

I'd like a cup of coffee, please. لطفاً یک فنجان قهوه می‌خواهم.

lotfan. yek. fenjân. ghahveh. mikhâham.

iced coffee. قهوه سرد.

ghahvehye. sard.

white coffee. قهوه با شیر، شیرقهوه.

ghahveh. bâ. shir, shir.ghahve.

black coffee. قهوه بدون شیر (قهوه سیاه).

ghahveye. bedune. shir. (ghahveye. siyâh).

decaffeinated coffee. قهوه بدون کافئین.

ghahveye. bedune. kâfeiyân.

cream. کرم، خامه، سرشیر.

kerem, khâme, sar.shir

double cream. با کرم یا خامه زیاد.

bâ. kerem. yâ. khâme. ziyâd.

single cream. باکرم یا خامه کم.

bâ. kerem. yâ. khâme. (khâme. kam).

sour cream. خامه ترش.

khâme. torsh.

milk. شیر.

shir.

skimmed milk. شیر بدون خامه، شیر رژیمی.

shife. bedune. khâme, shire. rezhimi.

Complaints شکایتها و انتقادات (در رستوران)

shekâyâthâ. va. enteghâdhâ (dar. resturân.)

We'd like to pay separately. ما می‌خواهیم جداگانه پرداخت کنیم.

mâ. mikhâhim. jodâgâneh. pardâkht. konim.

What is this amount for? این مبلغ برای چیست؟

in. mablagh. barâye. chist?

I think there is a mistake in the bill.

man. fekr. mikonam. eshtebâhi. dar. surathesâb. hast.

من فکر می‌کنم اشتباهی در صورت‌حساب هست.

How much is it? آن چقدر است؟

ân. cheghadr. ast?

Is service included? آیا سرویس حساب شده است؟

âyâ. servis. hesâb. shodeh. ast?

Is everything included? آیا همه چیز حساب شده است؟

âyâ. hame. chiz. hesâb. shodeh. ast?

Do you accept traveller's cheques / eurocheques?

âyâ. shomâ. chek-hâye. mosâferati / chek-hâye. orupâiy. ghabul.

mikonid?

آیا شما چک‌های مسافرتی / چک‌های اروپایی قبول می‌کنید؟

Thank you, this is for you. متشکرم، این هم انعام شماست.

motshakeram. in. ham. an'aâme. shomâst.

Keep the change. بقیه پول مال خودتان.

baghiyehye. pul. mâle. khodetân.

That was a very good meal. غذای خیلی خوبی بود.

ghazâye. kheyli. khubi. bud.

We enjoyed it, thank you. از آن لذت بردیم، خیلی متشکرم.

az. ân. lezzat. bordim, kheyli. motshakeram.

Snacks and picnic غذاهای سربایبی (ساندویچ) و غذای پیک نیک

ghazâhye, sare. pâiy. (sândevich). va. ghazâye. pik.nik.

salty. شور.

shur.

I don't like this. من این را دوست ندارم.

man. in. râ. dust. nadâram.

The food is cold. غذا سرد است.

ghazâ. sard. ast.

This isn't fresh. این تازه نیست.

in. tâzeh. nist

what's taking so long? چرا اینقدر طول می‌کشد؟

cherâ. in. ghadr. tul. mikeshad?

Have you forgotten our drinks?

âyâ. nushidanihâye. mâ. râ. farâmush. kardehiyd?

آیا نوشیدنی‌های ما را فراموش کرده‌اید؟

This isn't clean. این تمیز نیست.

in. tamiz. nist.

Would you call the head waiter, please?

lotfan. momken. ast. mas'aule. servis. (sar.pish.khedmat) râ. sedâ.

konid?

لطفاً ممکن است مسئول سرویس (سرپیشخدمت) را صدا کنید؟

The bill صورت‌حساب

surat. hesâb.

Service included سرویس حساب شده است.

servis. hesâb. shodeh. ast.

The bill, please. لطفاً صورت‌حساب.

lotfan. surat. hesâb.

I'd like to pay. می‌خواهم پرداخت کنم.

mikhâham. pardâkht. konam.

spaghetti on toast.

nâne. tost. bâ. espâgheti.

I'd like...

man ... râ. mikhâham.

some apples.

chand. tâ. sib.

some bananas.

chand. tâ. moz.

butter.

kareh.

bread.

nân.

rolls.

nâne. bâget, gerdehye. nân.

chocolate.

shokolât.

grapes.

angur.

egg.

tokhmemorgh.

ice cream.

bastani.

cheese.

panir.

margarine.

karehye. nabati, mârğârin (makhsuse. pokhto. paz).

sweets.

âb. nabât. va. shokolât, shirini.

نان تست با اسپاگتی.

من ... را می‌خواهم.

چند تا سیب.

چند تا موز.

کره.

نان.

نان باگت، کرده نان.

شکلات.

انگور.

تخم مرغ.

بستنی.

پنیر.

کره نباتی، مارگارین (مخصوص پخت و پز)

آب نبات و شکلات، شیرینی.

I want one of these please.

lotfan. man. yeki. az. inhâ. râ. mikhâham.

I'd like...

man ... râ. mikhâham.

It's to take away.

barâye. bordan. ast. (injâ. nemikhoram).

Is it to go?

âyâ. (bâ. khod). mibarid?

a (fried) sausage.

yek. sosis. (sorkh. kardeh).

some crisps.

meghdâri. chips.

a roast chicken.

yek. morghe. sokhâri.

a hamburger.

yek. hamberger.

some chips.

meghdâri. chips. meghdâri. sib. zamini. sorkh. kardeh.

a pizza.

pitzâ.

scrambled eggs.

tokhmemorgh. nimru, nimruye. zardeh. va. sefideh. ghâti. shodeh.

some fried eggs.

tokhmemorgh. nimru.

cheese on toast.

nâne. tost. bâ. panir

mushrooms on toast.

nâne. tost. bâ. ghârch.

لطفاً من یکی از اینها را می‌خواهم.

من ... را می‌خواهم.

برای بردن است (اینجا نمی‌خورم).

آیا (با خود) می‌برید؟

یک سوسیس (سرخ کرده).

مقداری چیپس.

یک مرغ سوخاری.

یک همبرگر.

مقداری چیپس، مقداری سیب‌زمینی سرخ کرده.

پیتزا.

تخم‌مرغ نیمرو، نیمروی زرده و سفیده قاطی شده

تخم‌مرغ نیمرو.

نان تست با پنیر.

نان تست با قارچ.



فصل چهارم:

کثنت و گذار بیرون شهری / TRAVELLING AROUND

کثنت و گذار بیرون شهری  
TRAVELLING AROUND

Plane

هوایما

havâpeymâ.

I'd like to book a flight to Tehran.

yek. parvâz. be. tehrân. mikhâham. rezerv. konam.

یک پرواز به تهران می‌خواهم رزرو کنم.

رفت / برگشت.

single / return.

raft / bargasht/

economy class.

درجه اقتصادی (توریستی).

darajehye. eghtesâdi (turisti).

first class.

درجه یک.

darajehye. yek.

Are there any special fares?

آیا قیمت ارزانتر هم دارید؟

âyâ. gheymate. arzântar. ham. dârid?

فاز صبی در سبزه

sugar.

شکر.

shekar.

tea.

چای.

chây.

tea bags.

چای کیسه‌ای (لیپتون).

chây. kishiy (lipton).

yoghurt.

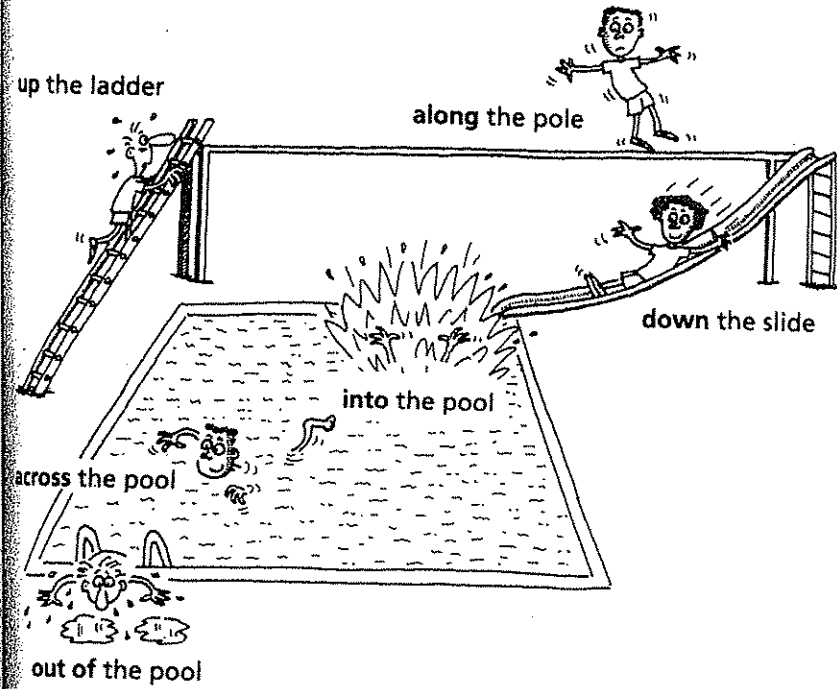
ماست.

mâst.

salt.

نمک.

namak.



PERSON ON TRIP